یادداشت

خانه‌تکانی نظام ارزی

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

اقتصادمان، سال‌هاست در کشاکش نوسانات ارزی، محدودیت‌های تحمیلی و چالش‌های داخلی، به دنبال راهی برای ثبات و پایداری است. ارز، به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی اقتصاد، نقشی تعیین‌کننده در تجارت، تولید و معیشت مردم دارد، اما واقعیت این است که نظام ارزی کشورمان، با وجود ظرفیت‌های موجود، همچنان از نارسایی‌هایی رنج می‌برد که ثبات اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد. طرح «مقاوم‌سازی نظام ارزی» که اخیراً در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده، تلاشی است برای بازتعریف علمی و عملیاتی از این نظام، با هدف مدیریت بهتر منابع ارزی و کاهش التهابات بازار.

■ مبنای اول: به رسمیت شناختن بازار آزاد ارز

یکی از محورهای کلیدی طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی، به رسمیت شناختن بازار آزاد ارز است. این دیدگاه، برخلاف رویکردهای سنتی که گاه با انکار واقعیت‌های بازار، سیاستگذاری را به ورطه ناکارآمدی می‌کشاند، بر پذیرش حقیقت موجود تأکید دارد. بازار آزاد ارز، چه بخواهیم و چه نخواهیم، بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد کشورمان است. این بازار، با همه نوسانات و پیچیدگی‌هایش، رفتار واقعی مردم، تجار و فعالان اقتصادی را بازتاب می‌دهد. نادیده گرفتن آن، مانند پاک کردن صورت‌مسئله است؛ کاری که نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه به بی‌اعتمادی و آشفتگی بیشتر دامن می‌زند. به رسمیت شناختن بازار آزاد، به معنای تسلیم شدن به بی‌نظمی نیست، بلکه گامی است به سوی برنامه‌ریزی واقع‌بینانه. این رویکرد، سیاستگذاران را قادر می‌سازد با تحلیل دقیق عرضه و تقاضای ارز در این بازار، ابزارهای مناسب برای مدیریت آن طراحی کنند. برای مثال، می‌توان با ایجاد کانال‌های شفاف برای تأمین نیازهای ارزی، از فعالیت‌های غیررسمی و قاچاق ارز کاست. این اقدام، نه‌تنها به کاهش التهابات بازار کمک می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به سیاست‌های ارزی را تقویت خواهد کرد.

■ مبنای دوم: بهره‌گیری از تراز مثبت ارزی

مبنای دوم طرح، بر واقعیت امیدوارکننده تراز مثبت ارزی کشورمان استوار است. ایران‌مان، به لطف منابع طبیعی، صادرات غیرنفتی رو به رشد و توانمندی‌های تجاری، از نظر ورودی و خروجی ارز در وضعیت مطلوبی قرار دارد، بااین‌حال گاه شاهد کمبود ارز در بازار داخلی هستیم؛ مشکلی که ریشه در ناکارآمدی‌های مدیریتی و نبود ابزارهای مناسب برای تنظیم‌گری دارد. طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی، با پیشنهاد ابزارهایی مانند مشوق‌های ارزی و حساب‌های پس‌انداز ارزی، به دنبال رفع این نارسایی‌هاست. مشوق‌های ارزی می‌توانند انگیزه‌ای برای بازگرداندن ارز صادراتی به چرخه اقتصاد ملی باشند. برای نمونه، اعطای تسهیلات ویژه به صادرکنندگانی که ارز خود را در سامانه‌های رسمی عرضه می‌کنند، می‌تواند عرضه ارز را تقویت کند. از سوی دیگر، حساب‌های پس‌انداز ارزی، با تضمین حفظ ارزش دارایی‌های مردم، می‌توانند تقاضای غیرضروری برای ارز را کاهش دهند. این ابزارها، با ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، به مدیریت بهتر منابع ارزی کمک و از نوسانات ناگهانی در بازار جلوگیری می‌کنند.

■ مبنای سوم: اصلاح خلأهای قانونی و مبارزه با قاچاق ارز

سومین محور طرح، به اصلاح خلأهای قانونی در حوزه مبارزه با قاچاق ارز و کالا اختصاص دارد. قانون موجود در این زمینه، به گفته کارشناسان، از جامعیت نسبی برخوردار است، اما مشکل اصلی در اجرای نادرست آن نهفته است. قاچاق ارز، نه‌تنها منابع ارزی کشور را به تاراج می‌برد، بلکه به بی‌ثباتی بازار و کاهش اعتماد عمومی دامن می‌زند. طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی، با تأکید بر اجرای دقیق‌تر قوانین و رفع خلأهای موجود، به دنبال ایجاد چارچوبی منسجم برای مقابله با این پدیده است.

برای مثال، تقویت نظارت بر تراکنش‌های ارزی، ایجاد سامانه‌های رصد جریان ارز و اعمال مجازات‌های بازدارنده برای متخلفان، می‌تواند از حجم قاچاق ارز بکاهد. همچنین هماهنگی بین نهادهای مسئول، از بانک مرکزی گرفته تا قوه قضائیه، در اجرای این قوانین حیاتی است. بدون این هماهنگی، هرگونه قانونگذاری، حتی اگر روی کاغذ بی‌نقص باشد، در عمل به نتیجه نخواهد رسید.

■ چالش‌ها و الزامات اجرایی

هرچند طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی از مبانی منطقی و علمی برخوردار است، اما موفقیت آن به عوامل متعددی بستگی دارد. نخست، اجرای صحیح این طرح از سوی دولت است. تجربه نشان داده است بسیاری از طرح‌های کلان اقتصادی، به دلیل ضعف در اجرا، به اهداف خود نرسیده‌اند. برای جلوگیری از این سرنوشت، لازم است دولت با تشکیل کارگروه‌های تخصصی و بهره‌گیری از کارشناسان خبره، برنامه‌ای مدون برای اجرای طرح تدوین کند. دومین چالش، هماهنگی بین قوای سه‌گانه است.

مجلس، دولت و قوه قضائیه باید در یک راستا حرکت کنند تا سیاست‌های ارزی به صورت یکپارچه اجرا شوند. هرگونه ناهماهنگی، می‌تواند به سردرگمی فعالان اقتصادی و بی‌اعتمادی مردم منجر شود. سومین چالش، جلب اعتماد عمومی است. سال‌ها سیاستگذاری ناکارآمد، اعتماد مردم به نظام ارزی را خدشه‌دار کرده است. برای بازسازی این اعتماد، لازم است سیاست‌ها با شفافیت کامل اجرا شوند و نتایج ملموس آنها به مردم نشان داده شود.

■ «سیاست شناور مدیریت‌شده» نقد و پیشنهاد

در حال حاضر، ابزار اصلی مدیریت ارزی کشور، سیاست «شناور مدیریت‌شده» است. این سیاست، اگرچه در تئوری می‌تواند به تنظیم بازار ارز کمک کند، اما در عمل با ابهامات و ناکارآمدی‌هایی همراه بوده است. نبود شفافیت در مکانیسم‌های اجرا، دخالت‌های غیرضروری در بازار و ناتوانی در پیش‌بینی رفتار فعالان اقتصادی، از جمله نقاط ضعف این سیاست است.

طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی، با ارائه راهکارهای عملیاتی، می‌تواند جایگزینی مؤثر برای این سیاست باشد. برای مثال، می‌توان با ترکیب سیاست شناور مدیریت‌شده و ابزارهای پیشنهادی طرح (مانند مشوق‌های ارزی و حساب‌های پس‌انداز)، مدلی ترکیبی طراحی کرد که هم انعطاف‌پذیری بازار آزاد را حفظ کند و هم از دخالت‌های علمی دولت بهره ببرد. این مدل، نیازمند مدیریت دقیق و مبتنی بر داده است تا از یک سو، به نیازهای واقعی اقتصاد پاسخ دهد و از سوی دیگر، از نوسانات غیرقابل کنترل جلوگیری کند.

■ آینده‌ای روشن با مدیریت علمی

طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی، می‌تواند گامی بلند در مسیر ساماندهی یکی از حساس‌ترین بخش‌های اقتصاد کشورمان باشد. این طرح، با تکیه بر سه مبنای کلیدی- به رسمیت شناختن بازار آزاد، بهره‌گیری از تراز مثبت ارزی و اصلاح خلأهای قانونی- می‌تواند نظام ارزی کشور را به سوی ثبات و پایداری هدایت کند، اما موفقیت این طرح، تنها به کیفیت طراحی آن بستگی ندارد، اجرای دقیق، هماهنگی بین نهادها و جلب اعتماد عمومی، از الزامات غیرقابل‌اجتناب آن هستند. اقتصاد کشورمان، با همه چالش‌هایش، از ظرفیت‌های بی‌نظیری برخوردار است. منابع طبیعی، نیروی انسانی جوان و موقعیت جغرافیایی راهبردی، همگی بستر مناسبی برای رشد و توسعه فراهم می‌کنند. طرح مقاوم‌سازی نظام ارزی، اگر با دقت و تعهد اجرا شود، می‌تواند این ظرفیت‌ها را به فعلیت برساند و آینده‌ای روشن برای اقتصاد کشور رقم بزند. اکنون، زمان آن است که با عزمی ملی و نگاهی علمی، گامی استوار در این مسیر برداریم.

گزارش یک

بهناز قاسمی

مدیریت مصرف نیازمند ابزار قانونی است

برق تهران را ۳ درصد مشترکان می‌بلعند

مدیر عامل شرکت توزیع برق تهران: ۳درصد از مشترکان تهرانی بیش از ۱۰درصد مصرف برق تهران را دارند!

حمیدوکیلی | فارس

گرمای هوا و مصرف برق در اردیبهشت امسال رکوردهای جدیدی ثبت کرده است، به طوری که در اردیبهشت سال گذشته، مصرف برق حدود ۵۲ تا ۵۳هزارمگاوات بود، اما روز دوشنبه برای نخستین بار مصرف برق از ۶۰هزارمگاوات عبور کرد که نزدیک به ۱۴درصد رشد را نشان می‌دهد. این افزایش بسیار چشمگیر است، البته میزان مصرف پرمصرف‌ها نامتعارف و هزینه پرداختی‌شان نیز ناعادلانه است. هزینه قبض برق خانوار ماهانه کمتر از هزینه نصف ساندویچ است، در این شرایط کمتر کسی به ضرورت‌های اصلاح روند مصرف برق توجه می‌کند و مدیریت مصرف با خواهش و تمنا محقق نمی‌شود بلکه نیاز به ابزار قانونگذاری درست دارد. اکنون آن که فقیرتر است، پول مصرف برق افراد ثروتمند را هم می‌پردازد، این روالی است که باید اصلاح شود. به گفته مدیر عامل شرکت توزیع برق تهران، در حال حاضر ۳درصد از مشترکان تهرانی حدود ۱۰درصد برق تهران را مصرف می‌کنند، آنها دو برابر الگو مصرف برق دارند.

■■■

ماجرای کسری برق موضوع جدیدی نیست، وقتی جامعه متوجه آن شد که خاموشی به بخش خانگی رسید، این مشکلات از قبل وجود داشت و کارشناسان حدود ۱۰سال پیش این هشدار را می‌دادند. متأسفانه در حال حاضر، کشور دچار ناترازی ترکیبی شده است و اینطور نیست که فقط در تابستان ناترازی برق و در زمستان ناترازی گاز داشته باشیم، بلکه در زمستان هم کسری برق و در تابستان هم کسری گاز داریم. از هفته دوم فروردین، با شروع قطعی برق خانگی و صنایع این هشدار داده شد که ناترازی برق در سال جاری به وضعیتی بحرانی رسیده است و باید همه مردم پای کار بیایند.

وزارت نیرو در قدم اول راحت‌ترین راه را برگزید و با قطع برق خانگی در برخی استان‌ها، شهرها و روستاها تلاش کرد، مصرف را کنترل کند، اما با ورود به اردیبهشت و افزایش گرمای هوا وزارت نیرو دست به کار شد و با اطلاع‌رسانی گسترده افکار عمومی را برای قطعی برق روزانه و حتی در دو شیفت آماده کرد. صاحبنظران و رسانه‌ها در این مدت نسخه‌های مختلفی برای عبور از این ناترازی‌ها پیچیدند. برخی گران شدن تعرفه برق را چاره کار می‌دانند و برخی با دوقطبی‌سازی تلاش کردند از قطع برق خانگی انتقاد کنند و ادارات و صنایع را مستحق قطعی برق بدانند.

برخی از ضعف دولت در شناسایی و جمع‌آوری استخراج‌کنندگان غیرمجاز رمز ارز سخن می‌گویند، اما با توجه به شرایط بحرانی که وجود دارد، هم مشترکان خانگی، هم ادارات و هم صنایع باید سختی‌های قطعی برق را بپذیرند و شرایط فعلی را تحمل کنند، البته عدم‌همکاری نمایندگان مجلس در تصویب طرح دوفوریتی تغییر ساعت رسمی کشور موجب بروز مشکلاتی برای مادران شاغل و خانواده‌ها شده است.

■ ۳درصد مشترکان تهرانی ۲برابر الگو مصرف برق دارند

در شرایطی که وزارت نیرو مدام هشدار می‌دهد کشاورزان از قطعی برق چاه‌ها گلایه دارند و زمین‌های کشاورزی و باغات از بی‌آبی در حال خشک‌شدن هستند و صنایع از تعطیلی و بیکارشدن کارگران و ضرر و زیان‌شان سخن می‌گویند، برخی مشترکان فوق‌پرمصرف در آسایش و آرامش، دو برابر الگو، برق مصرف می‌کنند و اتفاقاً همین مشترکان به نصب کنتورهای هوشمند از سوی وزارت نیرو اعتراض دارند. اخیراً مدیر عامل شرکت توزیع برق تهران در برنامه‌ای تلویزیونی اعلام کرد: ۳درصد مشترکان پرمصرف تهرانی بیش از دو برابر الگو، مصرف برق دارند. آنها ۱۰درصد مصرف برق را به خود اختصاص داده‌اند، البته در هفته‌های اخیر با نصب کنتورهای هوشمند توانستیم مصرف برق ۱۰۰هزار مشترک پرمصرف را کنترل و مدیریت کنیم. روش کار این کنتورها به این صورت است که با افزایش مصرف، حدود یک ساعت برق قطع می‌شود. وقتی مصرف بیش از الگو، در طول شبانه‌روز مدام افزایش یابد، کنتور هشدار می‌دهد و برق قطع می‌شود، از این رو برخی مشترکان برای جلوگیری از قطعی برق مصرف خود را مدیریت کرده‌اند. کامبیز ناظریان افزود: ۵۵درصد مشترکان تهرانی، خانگی هستند که از این تعداد ۶۵درصدشان زیر الگو مصرف برق دارند، ۱۵ تا ۲۰درصدشان فاصله معناداری تا الگوی مصرف دارند و تقریباً ۱/۵برابر بیشتر از الگو مصرف برق دارند. مدیر عامل توانیر نیز در نشست خبری اخیرش از کنترل مصرف مشترکان پرمصرف مانند بانک‌ها و بخشی از مشترکان خانگی از طریق کنتورهای هوشمند خبر داد و از رسانه‌ها خواست با اطلاع‌رسانی، آحاد جامعه را از مزایای این کنتورها آگاه سازند. رجبی‌مشهدی همچنین از واگذاری اختیارات مدیریت مصرف برق به استانداران خبر داد و گفت: به صلاحدید استانداران برق تخصیص یافته به استان میان سه بخش خانگی، صنعت و کشاورزی تقسیم خواهد شد.

■ سخنگوی دولت: تمرکز دولت بر صنعت است

متأسفانه تعدد اظهار نظرها در دولت درخصوص ناترازی برق و آب در برخی مواقع، موجب بازخوردهای منفی می‌شود. وقتی سخنگوی دولت به صراحت اعلام می‌کند تمرکز دولت بر صنعت است، بنابراین قسمتی از قطع برق را به سمت خانگی‌ها سوق داده است که موجب بی‌اعتمادسازی می‌شود، زیرا این اظهارات با سخنان مدیر عامل توانیر و واگذاری اختیارات مدیریت مصرف به استانداران، تقسیم متناسب برق را زیر سؤال می‌برد و مشترکان خانگی تصور می‌کنند دولت در حق آنها اجحاف کرده است.

■ صنعت برق کشور راه‌حل کوتاه‌مدت و بدون درد ندارد

همچنین رئیس اتحادیه انجمن‌های انرژی ایران با بیان اینکه دچار ناترازی ترکیبی انرژی هستیم، گفت: کسری برق یک شبه ایجاد نشده و یک‌شبه هم قابل رفع نیست، نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت، اصلاح ساختارها و اقتصاد برق، ورود جدی بخش خصوصی و ایجاد بازار برق داریم. سیدهاشم اورعی، استاد دانشگاه شریف و رئیس اتحادیه انجمن‌های انرژی ایران در میزگرد ناترازی برق، با خاموشی‌ها چه باید کرد؟ اظهار داشت: کسری برق در اوج تابستان امسال به ۲۴هزارمگاوات می‌رسد و این ناترازی برق، بحرانی است که دارد به سمت ابربحران می‌رود.

اورعی با بیان اینکه «اینکه سخنگوی محترم دولت، رعایت مصرف توسط مردم را راهکار اصلی اعلام می‌کند، ساده‌انگاری حل این مسئله است»، گفت: مصرف برق در خانه‌ها با وجود اوج‌گیری در پیک تابستان، در طول سال فقط ۳۳درصد سهم مصرف کل برق است، پس مشکل ناترازی تنها با رعایت مصرف در خانه‌ها حل نمی‌شود، اگرچه این کار مؤثر است و به کاهش ناترازی کمک می‌کند. رئیس اتحادیه انجمن‌های انرژی ایران خاطرنشان کرد: در بخش انرژی، چشم‌انداز ۱۴۰۴ کاملاً شکست خورده است، قرار بوده شدت مصرف انرژی در این ۲۰سال کاهش یابد اما شدت مصرف انرژی در ایران که حدود ۱/۵برابر متوسط شدت مصرف انرژی دنیا بوده، اکنون نه تنها کاهش نیافته بلکه به بیش از ۲/۵برابر متوسط جهانی رسیده است. در افق ۱۴۰۴، باید سهم تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر به ۳۰درصد برسد اما هم‌اکنون کمتر از یک‌درصد است.

■ راه‌حل‌های کوتاه‌مدت

اورعی افزود: حدود ۳۰درصد در تابستان ناترازی و کسری برق داریم، راه‌حلی که ارائه شده شروع به کار مدارس، بانک‌ها و ادارات از ساعت ۶ صبح است، این راهکار برای این چالش بزرگ، به شوخی بیشتر شبیه است و انگار صورت‌مسئله را درست متوجه نشده‌ایم. در واقع حجم بحران ناترازی برق با وزن راهکارهایی که ارائه می‌شود، همخوانی ندارد. اورعی با بیان اینکه خودمان کالای ارزشمند برق را تبدیل به یک کالای بی‌ارزش کرده‌ایم، گفت: سهم پول برق در اجاره مغازه‌ها و اصناف یک‌درصد و کمتر از یک‌درصد است و در این صورت، هیچ‌انگیزه‌ای برای افزایش بهره‌وری در مصرف آن وجود ندارد. متأسفانه هنوز به ادامه این مسیر اشتباه اصرار داریم، وزارت نیرو تعرفه‌های جدید برق را اعلام کرد، بر این اساس تعرفه برق کشاورزی تنها ۷درصد افزایش داشته، یعنی نسبت به تورم ۴۰درصدی کشور، ۳۳درصد تعرفه برق کشاورزی ارزان شده است.

■ آن که فقیرتر است دارد پول مصرف برق افراد ثروتمند را هم می‌پردازد

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: اگر قیمت تمام‌شده هر کیلووات ساعت برق را با توجه به تمامی ابعاد آن از هزینه سوخت و هزینه‌های واقعی اقتصادی و اجتماعی محاسبه کنیم، به رقم ۱۰هزار تومان می‌رسیم که البته بخشی از تولید گران برق به خاطر دولتی بودن آن است، اگر تمامی ابعاد تأمین و انتقال و توزیع برق خصوصی شود، این رقم به ۵هزارتومان هم قابل کاهش است اما در حال حاضر هر کیلووات ساعت برق به طور متوسط به مشترکان ۵۰۰تومان عرضه می‌شود، ما برای حل مشکل برق، باید اجازه دهیم بازار برق شکل بگیرد و این بازار برق با دکان قیمت‌گذاری برق که هم اکنون وجود دارد، متفاوت است.

وی افزود: می‌توانیم در یک بازه پنج‌ساله از صنعت برق دولت‌زدایی کنیم و دولت به کارهای حاکمیتی و سیاستگذاری و نظارت خود بازگردد و کارها را بخش خصوصی سامان دهد.

وی ادامه داد: این یک آمار عجیب است که در بهار سال جاری رشد ۳۷درصدی مصرف برق را شاهد هستیم، هیچ کجای جهان نمی‌تواند در طول یک‌سال ظرفیت تأمین برق را ۳۷درصد ارتقا دهد، این بخش مصرف است که باید مدیریت شود. رئیس اتحادیه انجمن‌های انرژی ایران خاطرنشان کرد: هزینه قبض برق خانوار ماهانه کمتر از هزینه نصف ساندویچ است، در این شرایط کمتر کسی به ضرورت‌های اصلاح روند مصرف برق توجه می‌کند و مدیریت مصرف با خواهش و تمنا محقق نمی‌شود بلکه نیاز به ابزار قانونگذاری درست دارد. الان هم مدیریت مصرف صورت نمی‌گیرد و به تشدید ناترازی برق منجر شده و هم آن که فقیرتر است دارد پول مصرف برق افراد ثروتمند را هم می‌پردازد، این روالی است که باید اصلاح شود. وی ادامه داد: ۴/۶میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی به توسعه صنعت نیروگاهی منابع طی سال‌های قبل وارد شده، اما به دلیل اقتصاد معیوب صنعت برق، دولت پول وزارت نیرو را نداده، وزارت نیرو پول سرمایه‌گذاری را نداده است و سرمایه‌گذاران هم پول تسهیلات صندوق توسعه را نتوانسته‌اند بازپرداخت کنند و این تصور برای مدیران صندوق توسعه ملی به وجود آمده که این پول از دست رفته است.

گزارش ۳

آوار مالیات بر ارزش‌افزوده بر سر بازار برنج

افزایش بی‌سابقه قیمت برنج در بازارهای داخلی به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مردم و فعالان اقتصادی تبدیل شده است. این موضوع در شرایطی رخ داده که برنج، به‌عنوان یکی از اقلام اساسی سبد مصرفی خانوارهای ایرانی، همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

■■■

قیمت انواع برنج ایرانی در خرده‌فروشی‌ها به بیش از ۲۰۰هزار تومان برای هر کیلوگرم رسیده و این مسئله، نگرانی‌های زیادی در خصوص امنیت غذایی و فشار بر معیشت خانوارها ایجاد کرده است. در نگاه اول، بسیاری این گرانی را به کمبود تولید یا افزایش تقاضا نسبت داده‌اند، اما بررسی‌های کارشناسی و اظهارات رسمی مسئولان نشان می‌دهد ابهام در اجرای سیاست‌های مالیاتی، به‌ویژه در حوزه مالیات بر ارزش‌افزوده (VAT)، یکی از عوامل اصلی اختلال در زنجیره تأمین و افزایش قیمت برنج در بازار بوده است. غلامرضا نوری‌قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی روز گذشته با رد هرگونه شایعه کمبود برنج، تأکید کرد: «با کمبود مواجه نیستیم بلکه مسئله اصلی ابهام در ارزش‌افزوده برخی کالاهای اساسی وارداتی است. این ابهام باعث شده برخی تأمین‌کنندگان در روند عرضه دچار تردید شوند و آهنگ تأمین کالا کند شود.»

بر این اساس، بسیاری از واردکنندگان به دلیل عدم‌شفافیت در نرخ نهایی مالیات و نحوه اعمال آن بر کالاهای اساسی وارداتی، از عرضه سریع محصول به بازار خودداری کرده‌اند. این در حالی است که دولت در ماه‌های گذشته با کاهش تعرفه واردات و تسهیل فرایندهای گمرکی تلاش کرده بود بازار برنج را کنترل کند، با وجود این سیاست‌های مالیاتی متناقض، سد راه این تلاش‌ها شده و عرضه را در گلوگاه بنادر متوقف کرده است. افزایش قیمت برنج، نه تنها فعالان بازار را سردرگم کرده، بلکه خانواده‌های بسیاری را تحت فشار مضاعف قرار داده است. یکی از شهروندان در بازار تهران می‌گوید: «برنج برای خانواده ما مثل نان است. وقتی قیمتش این‌طور بالا می‌رود، دیگر نمی‌توان مثل گذشته خرید کرد، حتی نوع‌های درجه ۲ و ۳ هم دیگر ارزان نیستند.» فروشندگان نیز از بلاتکلیفی موجود گلایه دارند. یکی از عمده‌فروشان برنج در شمال کشور می‌گوید: «مشتری هست، اما نمی‌توانیم جنس را با قیمت مناسب تأمین کنیم. بازار روی هواست، چون واردکننده‌ها جنس را نگه داشته‌اند تا وضعیت مالیات روشن شود.»

کارشناسان اقتصادی معتقدند اختلال در زنجیره تأمین، نخستین و مهم‌ترین نتیجه سیاست‌های مالیاتی نادرست در حوزه واردات کالاهای اساسی است. واردکنندگان که در شرایط ناپایدار اقتصادی حاضر به ریسک نیستند، ترجیح می‌دهند کالاها را تا روشن شدن نرخ نهایی مالیات در انبارها نگه دارند. این بلاتکلیفی موجب کاهش عرضه در بازار، افزایش تقاضای بی‌پاسخ و در نهایت، جهش قیمتی شده است. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل جهانی و نوسانات ارزی نیز در کنار بار مالیاتی، قیمت تمام‌شده واردات برنج را بالا برده‌اند. وقتی این هزینه‌ها با مالیاتی مبهم ترکیب می‌شوند، نتیجه‌ای جز افزایش قیمت برای مصرف‌کننده نهایی ندارد.

■ تأثیرات منفی بر تولید داخلی

در نگاه نخست، ممکن است تصور شود کاهش عرضه برنج وارداتی، فرصتی برای کشاورزان داخلی به وجود آورده باشد تا محصولات خود را با قیمت بهتری به فروش برسانند، اما در عمل، این اتفاق نه‌تنها کمکی به سودآوری کشاورزان نکرده بلکه به افزایش ناپایدار قیمت‌ها در بازار منجر شده است. برخی شالیکاران در استان‌های گیلان و مازندران گزارش داده‌اند که افزایش قیمت ناگهانی، با وجود افزایش فروش، باز هم به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، سود مشخصی برای آنها به همراه نداشته است، همچنین نبود ثبات در بازار مانع از برنامه‌ریزی بلندمدت برای کشت برنج شده است. مالیات بر ارزش‌افزوده، گرچه در بسیاری از کشورها به عنوان یک منبع درآمد پایدار برای دولت‌ها عمل می‌کند، اما در شرایط خاص اقتصادی ایران، به‌ویژه در حوزه کالاهای اساسی، با مشکلات اجرایی، تبعات معیشتی و ناکارآمدی در توزیع عادلانه بار مالیاتی همراه بوده است. این نوع مالیات، ماهیتی غیرتصاعدی دارد، یعنی صرف‌نظر از توان مالی، همه مصرف‌کنندگان به‌صورت برابر آن را پرداخت می‌کنند، در نتیجه بیشترین فشار آن بر اقشار کم‌درآمد وارد می‌شود.

در شرایطی که تورم افسارگسیخته و کاهش قدرت خرید، زندگی بخش وسیعی از جامعه را با چالش مواجه کرده، اعمال این مالیات بر کالاهایی نظیر برنج، می‌تواند شکاف اقتصادی را عمیق‌تر کند.

از دیگر تبعات اجرای ناقص مالیات بر ارزش‌افزوده می‌توان به افزایش فساد، فرار مالیاتی و سردرگمی اداری اشاره کرد. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب حسابداری، توانایی اجرای دقیق این نوع مالیات را ندارند، در نتیجه یا فعالیت خود را محدود می‌کنند یا به روش‌های غیرشفاف برای دور زدن مالیات متوسل می‌شوند، همچنین در شرایطی که دولت‌ها برای تأمین کسری بودجه خود به سمت فشار مالیاتی حرکت می‌کنند، اگر این فشار به‌درستی توزیع نشود، نه‌تنها درآمد واقعی دولت محقق نخواهد شد، بلکه اعتماد عمومی به نظام اقتصادی نیز آسیب خواهد دید.

گزارش ۲

سعیده زمانی

دوسوم قوانین کشور نیاز به اصلاح یا حذف دارند، کدام نهاد مأموریت بازنگری در قوانین زائد را برعهده می‌گیرد؟

حریف قوانین زائد فسادانگیز کیست

۸هزارو۳۰۰ قانون زائد و فسادزا که به روایت رئیس مجلس، زمان مرگ آن فرارسیده به معضلی در اقتصاد کشور تبدیل شده است، اما تعارض منافع دستگاه‌های عریض و طویل دولتی، انگیزه‌ای برای اصلاح این وضعیت باقی نمی‌گذارد. مجلس به عنوان نهاد قانونگذار وارد گود می‌شود؟

■■■

تا سال ۲۰۰۳ گرجستان کشوری معروف به فساد در جهان، فاقد منابع طبیعی و در حال سقوط اقتصادی بود، اما نیکا گیلائوری به همراه مجموعه‌ای از مسئولان کشور گرجستان موفق شدند با حذف قوانین زائد و رانت‌زای موجود و با شروع از حل مسائل کوچک و در ظاهر کم‌ارزش در مدت تصدی دولت، از عمده مشکلات به خصوص فساد گسترده بکاهند و این کشور را در مسیر درست رشد قرار دهند.

■ وقتی بوروکراسی و دیوان‌سالاری قوانین زمینه‌ساز فساد می‌شود

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ۱۹ اردیبهشت در نشست نخبگان با رئیس مجلس شورای اسلامی در گنبدکاووس اظهار کرد: بیش از ۱۲هزارو ۵۰۰ قانون در کشور وضع شده است که بیش از دوسوم آن، منطبق با شرایط کشور نیست و به زبان عادی، مرگ آنها فرا رسیده و خود زمینه‌ساز فساد هستند. وی تصریح کرد: بوروکراسی و دیوان‌سالاری قوانین باعث شده است برخی قوانین زمینه‌ساز فساد شوند. رئیس مجلس شورای اسلامی ابراز کرد: برای تحول و استفاده از ظرفیت‌های موجود در حدود ۵۰ماده و بند قانون جامع تدوین خواهد شد و امید داریم تا خردادماه سال آینده، همزمان با اجلاسیه سوم مجلس شورای اسلامی این قوانین محقق شود. قالیباف همچنین روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت نیز در جشنواره توانمندسازی و کارآفرینی گفت: مجلس شورای اسلامی در راستای کاهش بوروکراسی و تنقیح قوانین، برنامه دارد تعداد قوانین موجود را از ۱۲هزارو ۵۰۰ مورد به ۳هزار قانون کاهش دهد. همچنین تأکید ما بر این است که مردم در فرایند قانونگذاری نقش و حضور مؤثر داشته باشند.

■ بوروکراسی پیچیده اداری مانع اصلی توسعه کشور است

نماینده مردم پیرانشهر در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه طبق قانون دولت مکلف به هموار کردن مسیر اشتغال، تولید و سرمایه‌گذاری است، بر ضرورت رفع بوروکراسی و موانع دست و پاگیر اداری برای کمک به توسعه کشور تأکید کرد.

کمال حسین‌پور در صحن علنی ۹ اردیبهشت مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی گفت: سرمایه‌گذاران، کشاورزان، تاجران و جوانان کارآفرین وقتی که به ادارات و وزارتخانه‌ها مراجعه می‌کنند، مسئولان و مدیران اجرایی به دنبال راهکار قانونی برای انجام کار آنها باشند.

نماینده مردم پیرانشهر و سردشت در مجلس شورای اسلامی افزود: متأسفانه امروز در برخی ادارات شاهدیم که مدیران و کارمندان به جای حل مسئله و کمک به حل مشکلات، با ایجاد مانع موجب توقف کار می‌شوند درحالی که قانون اساسی دستگاه‌های اجرایی را موظف به خدمت رسانی حمایت از تولید و پاسخگویی به مردم می‌داند.

وی با اشاره به اصول ۴۴ و ۳ قانون اساسی که دولت را مکلف کرده مسیر اشتغال تولید و سرمایه‌گذاری را هموار کند، تصریح کرد: واقعیت این است که بوروکراسی پیچیده اداری به یکی از موانع اصلی توسعه کشور تبدیل شده است.

■ ضرورت تسهیل و روان‌سازی فرایندها

یک نماینده مجلس با بیان اینکه باید از بوروکراسی اداری خارج شویم و سرمایه‌گذار را خسته نکنیم، گفت: ما نتوانستیم سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران را تشویق و مشوق‌های لازم را برای ورود آنها به میدان تولید فراهم کنیم. سلام ستوده با بیان اینکه چندین سال است فرمایش مقام معظم رهبری تأکید بر تولید و حمایت از آن است، گفت: رونق تولید، شکوفایی تولید، پیشرفت و توسعه، نشان دهنده تمرکز ما بر تولید، توانمندی‌ها و دستاوردهای داخلی است.

نماینده مردم مهاباد با بیان اینکه به نظر می‌رسد طی سال‌های گذشته در تحقق شعار محوری تولید به نتیجه دلخواه نرسیده‌ایم، گفت: ما نتوانسته‌ایم سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران عزیز را تشویق و مشوق‌های لازم را برای ورود آنها به میدان تولید فراهم کنیم. شما نگاه کنید، مراکز تولیدی، شهرک‌های تولیدی و شهرک‌های صنعتی، همه با مشکلاتی مواجه هستند، علاوه بر قطعی برق و کمبود مواد اولیه که اصلاً به دست‌شان نمی‌رسد، تسهیلاتی نیز وجود ندارد، علاوه بر این موارد متأسفانه سرمایه در گردش و بازار فروش هم ندارند. وی گفت: باید کارهای لازم برای تسهیل و روان‌سازی فرایندها انجام شود، باید از بوروکراسی اداری و قوانین ناکارآمد خارج شویم. ستوده با بیان اینکه باید مجلس و دولت راهکارهای اساسی برای حل مشکلات پیدا کنند، ادامه داد: با مدیریت، نظارت و کاهش بوروکراسی‌های پیچیده می‌توانیم به این هدف برسیم. طیف طولانی الزامات و بایدها و نبایدهای شاق و کمرشکن که قوانین ناکارآمد تحمیل کرده نفس اقتصاد کشور و تولید را گرفته است. در شرایط خطیر کنونی که کشور ما بیشترین نیاز را به بهبود سریع وضعیت اقتصادی دارد، انتظار می‌رود اصلاح و حذف قوانین زائد برعهده نهادی قرار گیرد که منافعش با حذف قوانین زائد به خطر نیفتد تا به این طریق کار بزرگ و نجات‌بخش به سرانجام برسد.

خبر

روزانه ۴۰۰هزار لیتر بنزین تبخیر می‌شود

رئیس هیئت مدیره شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت گفت: متأسفانه امروز ما در مسیر عرضه و تولید، هدر رفت انرژی داریم به طوری که روزانه ۴۰۰هزار لیتر بنزین در کشور تبخیر می‌شود.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، در برنامه میز اقتصاد، برات قبادیان، رئیس هیئت مدیره شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت گفت: دولت مکلف شده سازمان بهینه‌سازی تشکیل شود. در نیمه دوم سال گذشته بحث جدی برای تشکیل این سازمان آغاز و اساس نامه این موضوع تدوین شد که مجلس و کارشناسان ایراداتی از این اساس نامه گرفته‌اند.

وی افزود: وزارتخانه‌های مربوط در این کارگروه مانند نفت و نیرو اعضای این کارگروه هستند، این سازمان زیر نظر رئیس‌جمهور باید باشد، منتها چندین ایراد از این سازمان گرفته شده است.

رئیس هیئت مدیره شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت افزود: متأسفانه امروز ما در مسیر عرضه و تولید هدررفت انرژی داریم، وقتی ۴۰۰هزار لیتر بنزین تبخیر داریم دیگر بحث مصرف نیست، اگر سازمان بهینه